

پیش‌خواران

ناگفته‌هایی خواندنی
از ۳ سال ریاست جمهوری
شهید آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی

«**خسته نیستم**
به مثابه تر جیع بند
کلام رئیس قوه مجریه!

■ سمانه صادقی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، روایت‌هایی منتشر نشده از سه سال ریاست جمهوری، شهید آیت الله دکتر سید ابراهیم رئیسی را در خویش دارد. این مجموعه ازسوی مهدی

مجاهد از همکاران نزدیک شهید گردآوری شده و دفتر نشر معارف، به انتشار آن همت گماشته است. خصیصه این یادمان، جسارت آن در بازگویی نکاتی است که تا به حال از سوی اطرافیان «شهیدجمهور»، به این صورت بازگویی نشده بود. خبرگزاری فارس طی گزارشی از انتشار این کتاب، اشارت به نکات بی‌امده را فرو نهناده است:



۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۳

شهید آیت الله سید ابراهیم رئیسی در سفر به ساری

داشت؟ مدیریت بحران‌های امنیتی و اجتماعی؛ کتاب روایتی تکان دهنده از پاییز ۱۴۰۱ تا دُر ده؛ پشت پرده تماس تلفنی پد رانه با پدر مرحومه مهسا امینی تا مواجهه مستقیم و بدون گارد با دختران نسل ز د که حجاب نداشتند. همچنین ماجرای بر کناری جنجالی معاون سیاسی وزیر کشور و ایستادگی در برابر سپه‌مخ‌خواهی‌های سیاسی ایام انتخابات، جزئیات دقیق روایت شده است. این کتاب سندی است بر اینکه، کشور چگونه از لبه پر تگاه باز گشت. نویسنده پر ده از خطر قحطی نان بر می دارد و نشان می دهد، رئیس جمهور، چگونه شخصاً وارد میدان شد. روایتی از مبارزه با نرخ‌سازی‌های کاذب ارزی ازسوی برخی مراکز پژوهشی رسمی در خراج از دولت و دست‌و هار قاطع برای تویب و بر کناری مدیران متخلف، نشان دهنده جدیت رئیسی در مبارزه با فساد است؛ حتی اگر آن فساد در بدنه دولت خودش باشد. حواشی دیدار با تیم ملی فوتبال و ماجرای پادش بازیکان در آستانه جام جهانی نیز از بخش‌های خواندنی این بخش است. یکی از جذاب‌ترین ابعاد کتاب، ترسیم شخصیت حقیقی سید ابراهیم رئیسی، جدا از جایگاه حقوقی اوست. روایتی از ساد ه‌پستی باور نگر ندی در خانه شخصی رئیس جمهور و همسرش، رد کردن پیشنهاد حضور در باغ مجلس خارجی در سفرهای دیپلماتیک و دیدگاه‌های صریح ایشان درباره عدم دخالت اعضای خانواده در دولت، تصویری شفاف از سلامت نفس او ارائه می دهد. این بخش‌ها، پاسخ‌های است مستند به تمام شایعات و ابهامات چر ا نام کتاب «خسته نیستم» انتخاب شد؟ این عبارت، پر تکرار ترین جمله شهید رئیسی در مواجهه با اطرافیان بود. هر گاه همراهان و حتی محافظان از فشار کاری، سفرهای فشرده استانی و بی خوابی‌های مکرر به ستوه می آمدند و از او می‌خواستند استراحت کند، با لحنی که حاکی از امید و اراده بود می گفت: من خسته نیستم...



عملکرد نادر شاه افشار را مثبت بدانیم یا منفی؟

اثبات ونفی‌هایی دینی

در کارنامه مؤسس سلسله افشاریه

■ **اوشه میرم عشی**

یکی از کارهای مهم مورخان و تاریخنگاران، ارائه تحلیل از تاریخ است. تحلیلی که برگرفته از نگاه تاریخنگار، به فلسفه زندگی قلمداد می شود. به این معنا که رویکرد مورخ در فلسفه تاریخ، جهت و نوع تحلیلش را در بیان چرایی و چگونگی وقوع حوادث و ارزیابی آنها مشخص می کند. یکی از موضوعات تاریخ ایران که رویکرد و نگاه فلسفی تاریخ نگار در تحلیل آن بسیار مهم است، نوع روایت دوران پادشاهی نادر شاه افشار و مواضع و عملکرد وی در طول حیات سیاسی و به ویژه ۱۲ساله سلطنت اوست. در مقال بی‌آمده با رویکرد «فلسفه تاریخ از منظر قرآن و مکتب تشیع (۱)» نگاهی داشته‌ایم به مواضع و عملکرد نادرشاه افشار در دوران قدرت‌گیری و سلطنتش و ارثه معدلی از آن. امید آنکه تاریخ پژوهان ایران و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **نادرشاه افشار چگونه به حکومت رسید؟**

مؤسس سلسله افشاریه، نادر قلی در طایفه افشار (ساکن در منطقه خراسان) به دنیا آمد. وی که از نظامیان قزلباش حکومت صفویه بود، از سال ۱۱۴۸ تا ۱۱۶۰ هجری قمری (به مدت ۱۲ سال) در ایران پادشاهی کرد و پس از وی نیز دو نفر از جانشینانش به مدت بسیار کوتاهی بر ایران حکم رانند. اما چگونگی به قدرت رسیدن وی، به حوادث سقوط سلسله صفویه و البته کارآزموده بودن وی در مسائل نظامی و جنگ مربوط می شود.

نادرشاه از ابتدای جوانی، وارد فعالیت‌های نظامی شد. از آنجا که شجاعت و کاردانی بالایی در امور نظامی داشت، بعد از سپری شدن مدتی کوتاه، در ارتش پیشرفت کرد و در قشون حاکم خراسان فرمانده شد. وی سپس با دختر پابعلی بیگ (حاکم ابیورد)، ازدواج کرد. نادر پس از مرگ پدر همسرش در سال ۱۱۳۶ قمری جانشین وی شد. در همان سال، محمود افغان به اصفهان حمله کرد و صفویا سقوط کردند. مدتی بعد شاه طهماسب دوم صفوی

علمای وقت با اقدامات نادر چون ضبط موقوفات برای تجهیز ارتش و قشون کشی‌های خارجی وی و نیز اجرای قوانینی که ضد مناسک شیعه بود، رسماً مخالف بودند؛ ولی به دلیل حاکمیت جو خفقانی که او در کشور برپا داشت، نتوانستند سکوت از کنار اقدامات او می‌گذشتند و برای حفظ جان مردم و عدم ایجاد بلای داخلی، در امور سیاسی دخالت نمی‌نمودند

نگاره‌ای از عهده نادرشاه افشار



براساس اصول اسلامی و شیعی، نمیتوان تلاش نادر شاه را در حفظ تمامیت ارضی ایران و مقابله‌اش با زیاده‌خواهی دشمنان کشور تحسین نکرد. همچنین نبوغ وی در جنگ و امور نظامی و شکست دادن اشغالگران خارجی، واقعیتی است که نمی‌شود از کنار آن با بی‌توجهی گذشت. ضمن اینکه در این برهه از زندگی نادر، رفتارهایی از وی بروز کرده که نشان از علقه‌های دینی وی دارد و این ستودنی است

است. در مرحله بعد هم غارتگری و خراج گرفتن از هندیان نیز نه می‌تواند توجیه دینی داشته باشد و نه توجیه انسانی! از سوی دیگر باید توجه داشت آن غارتگری‌ها و غنیمت‌ها، سودی برای مردم ایران نیز نداشت و آن ثروت‌های غارت شده، فقط برای کاخ‌سازی و بنای ارگ‌های نظامی و حکومتی نادر صرف می‌شد. گرچه آن غنیمت‌ها نیز کفاف خرج و مخارج دربار و لشکر نادر را نمی‌داد و نادر با گرفتن مالیات‌های گزاف از مردم، موجبات نارضایتی عمومی از حکومتش را به دست خویش فراهم می‌کرد. باید دانست حمله به هندوستان و غارت این کشور و تضعیف نیروی نظامی آن، تبعات منفی دیگری نیز نه تنها برای مردم هندوستان که برای کل قاره آسیا به همراه داشت. زیرا آن لشکرکشی و غارتگری و بدتر از آن کاشتتن بذر اختلاف میان مسلمانان و بودائیان (هندوها)، موجب تضعیف ارتش هند شد و اندکی بعد از کشته‌شدن نادر، نیروهای نظامی هند نتوانستند در برابر هجوم ارتش کشور استعمارگرانگلیس مقاومت کنند و به این ترتیب، هند به اشغال کامل انگلستان درآمد. اشغالی که زمینه ادامه سلطه و استعمارگری‌های بریتانیا را بر سایر کشورهای قاره آسیا فراهم کرد.

■ **جایگاه مردم در دوران پادشاهی نادرشاه**
از نکات بسیار مهم برای تحلیل دوران پادشاهی نادر، توجه به رویکرد او نسبت به مردم ایران است. اینکه مردم در حکومت او چه جایگاهی داشتند؟ و آیا کرامت عمومی ایرانیان در اداره کشور، ایجاد رفاه و دادن خدمات به مردم و رشد فرهنگی واجتماعی آنها برای نادر اهمیت داشته است یا خیر؟ از آنجاکه حق حاکم و رعیت، ظلم نکردن به خلائق از سوی حاکم و ادای حقوق ایشان در مکتب تشیع بسیار مهم است، بررسی عملکرد نادر در این قضیه تصویری مورد تأیید به مخاطب نمی‌دهد. زیرا براساس منابع تاریخی و اسناد دوره نادری، توجه بیش از حد به امور نظامی و فقدان شناخت کافی از اصول مملکت داری از سوی نادر، موجب بروز برخی آسیب‌های مالیات گیری‌های عجیب و تنبیهات خشن نادر نسبت به کسانی که مبالغ مورد نظر را پرداخت نمی‌کردند به ترتیبی که میرزااحمد مهدی‌خان استرآبادی^(۲) در کتاب «جهانگشای نادری» از آن سخن به میان آورده، خود نشانه‌ای از علت عدم همراهی و نارضایتی شدید مردم آن دوره، از نوع حکومت داری نادرشاه افشار قلمداد می‌شود. گرچه باید در نظر داشت که نادر در طول سالیان پادشاهی‌اش، تلاش‌هایی برای ساخت شهرهای جدید به انجام رسانده، اما اقدام او برای کوچاندن اجباری مردم از محل اصلی سکونت‌شان به این شهرهای جدید، تبعات اجتماعی بسیار بدی به همراه داشت و به نوعی دیگر نارضایتی مردم و اقوام مختلف را از حکومت نادر انجامید.

همچنین بی‌توجهی به اقتصاد کشاورزی – که یکی از اصلی‌ترین پایه‌های تأمین معیشت مردم آن دوره بود- موجب کاهش زراعت و پایدن آمدن تولید و در نهایت ضعف اقتصادی خانواده‌های ایرانی می‌شد^(۳). بر مبنای آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که نادرشاه افشار در دوران سلطنت خود، نتوانست رضایت مردم را در اداره کشور جلب کند.

■ **رویکرد مذهبی نادرشاه افشار**

نادر شاه از جنبه مذهبی، رفتارهای متناقضی از خود بروز می‌داد! او در مواقعی خود را شیدا محب اهل بیت(ع) نشان می‌داد و در مواقعی دیگر، خویش را پیرو رؤسای مذاهب اهل سنت همچون ابوحنیفه معرفی می‌کرد! به عنوان نمونه وقتی نادر در سال ۱۱۴۲ قمری، توانست اصفهان را از تصرف افغان‌ها خارج کند و پس از آن از طرف شاه‌طهماسب دوم، حاکم کل خراسان و امور مالیاتی آن منطقه شد، دستور داد در خراسان سکه‌ای به نام «سلطان اقلیم ولایت، علی بن موسی الرضا» ضرب کردند.

همچنین مراقد مقدس نجف و کربلا نیز مورد احترام و تکریم او قرار می‌گرفت. نادر در دوره جنگ‌هایش با عثمانی‌ها، هرگاه به این نواحی می‌رسید، هدایا و ثنورات فراوانی را به این اماکن می‌بخشید. اما جالب است در همان زمان، به زیارت مزار ابوحنیفه (بزرگ مذهب حنفیه) در بغداد می‌رفت و هدایای زیادی از جمله فرش و پول نقد تقدیم آن مقبره می‌کرد. علاوه بر این وضع قوانین مذهبی همچون: «منع لعن سه خلیفه اول» و «مخالفت با برگزاری مراسم عزیه» ازسوی نادر از یکسو و مدح گویی از امام علی(ع) در سخنانش از سوی دیگر، نشان از تناقضات عقیدتی و چندگانگی هویت دینی وی داشت. به ویژه زادبودن خرید و فروش مشروبات در دوران پادشاهی او و عدم تقدیس برای اجرای احکام دینی، باعث شده که مورخان او را فردی نه سنی و نه شیعه بدانند که مواضع دینی‌اش دچار کژتابی بوده و بسته به شرایط تغییر می‌کرده است^(۴).

■ **علمای شیعه و حکومت نادرشاه**

بعد از اشفتگی‌های دوران تسلط محمود افغان بر ایران و سپس تا زمان به قدرت برگرداندن شاه طهماسب دوم ازسوی نادر (دوران هشت‌ساله سلطه محمود افغان بر کشور)، حوزه علمیه اصفهان به میزان زیادی از رونق افتاد و علما و طلاب برای تدریس و تحصیل، راهی نجف اشرف می‌شدند. به ویژه آنکه در زمان پادشاهی نادر، آیت‌الله احمد بن اسماعیل جزایری در حوزه علمیه نجف، زعامت (رهبری) شیعیان جهان را برعهده داشت و همین مسئله نیز باعث مهاجرت بیشتر علما به نجف می‌شد. در آن زمان به علت وجود شرایط آشفته سیاسی در

داخل کشور، آیت‌الله میرمحمدحسین خاتون آبادی (نوه دختری علامه مجلسی دوم) عالم بزرگ حوزه علمیه اصفهان، روزگار را به انزوا می‌گذراند. همچنین آیات میرزا رفیعا گیلانی و محمدتقی رضوی خراسانی – که در حوزه علمیه مشهد از علمای برجسته دوران خویش بودند- هم همان وضعیت را داشتند و بعد از روی کار آمدن نادرشاه، جایگاهی در تصمیم‌گیری‌های حکومتی نداشتند. در نگاه کلی باید گفت، اگرچه آنان در عمل با سیاست وحدت شیعه و سنی که نادر آن را در فضای سیاسی داخلی ایران دنبال می‌کرد، موافق بودند؛ اما با اقداماتی چون ضبط اموال موقوفات ازسوی حکومت وی برای تجهیز ارتش و قشون کشی‌های خارجی‌اش از یک سو و اجرای قوانینی که ضد مناسک شیعه بود، مثل قانون منع برگزاری مجلس عزیه از سوی دیگر، رسماً مخالف بودند؛ ولی به دلیل حاکمیت جو خفقانی که نادر در کشور ایجاد کرده بود با تقیه و سکوت از کنار اقدامات او می‌گذشتند و برای حفظ جان مردم و عدم ایجاد بلوای سیاسی داخلی، در امور سیاست دخالت نمی‌نمودند^(۵).

■ **عاقبت نادرشاه**

نسادر در طول سالیان پادشاهی‌اش، نگاهی بس بدبینانه و خشن نسبت به سرداران و اطرافیان‌ش داشت؛ نگاه تیره‌ای که موجب کشته‌شدن تعدادی از سران سپاهش به فرمان او، زندانی شدن بخشی از مصاحبان و کور شدن عده‌ای دیگر از ایشان به دستور وی شده بود. همین بدگمانی و سنگتگری فراوان نسبت به دولتمردان، فرماندهان نظامی و اطرافیان‌ش، موجب شده بود که سرداران وی نیز به شکل متقابل، اعتماد و اطاعت پذیری لازم را دربار نادر نداشتند باشند. چنانچه در نهایت، زمانی که نادر برای دفع یکی از شورش‌های داخلی به خراسان رفته بود، در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۱۴۶ هجری قمری، به دست جمعی از سردارانش به رهبری علی قلی خان در منطقه قوچان کشته و دفتر حیاتش برای همیشه بسته شد.

■ **کلام آخر**

بر مبنای فلسفه تاریخ ناظر به قرآن و مکتب تشیع، ارزیابی و بررسی عملکرد افراد، جریان‌ها و حوادث با ملاک‌های حق و باطل قرآنی و روایی سنجیده می‌شود. در این سنجه عملکرد شخص نادرشاه و اقدامات حکومتی‌اش، گرچه در بخش مقابله با دشمنان خارجی، حفظ تمامیت ارضی و تلاش برای استقلال وطن مثبت تلقی می‌شود؛ اما در شیوه حکومت داری داخلی، اداره کشور، بی‌توجهی به نیازها و حقوق مردم، مالیات گیری‌های فراوان از آنان برای تجهیز ارتش و عدم پایبندی‌اش به احکام دینی، قطعاً مورد تأیید نیست و به آن انتقاد وارد است. همچنین عملکرد وی در حمله و اشغال هندوستان و غارت ثروت‌های مردمان آن دبار، کاملاً منفی قلمداد می‌شود. در نهایت منظر فلسفه تاریخ شیعی، می‌تواند رویکردی مدد‌رصد متضاد با تحلیل مورخان تهرجه‌(پزیتویستی)، جبرگرا(بخشی از مورخان پیرو مکتب انال‌ها در تحلیل تاریخ، هایدگری‌ها، مارکسیست‌ها و حتی مورخان ملی‌گرا در ارزیابی عملکرد افراد و جریان‌ها در تاریخ داشته باشد؛ رویکردی که در موضوع بررسی زندگی سیاسی و نظامی نادرشاه افشار، به عیان دیده می‌شود و این مقال در تصحیح آن به نگارش درآمده است.

منابع:

- ۱- در فلسفه تاریخ از منظر قرآن و مکتب تشیع، سیر حرکت تاریخ به سمت کمال و چیره شدن جریان حق در تمام شئون بر جریان باطل است. در این سیر، اراده انسان (هم به شکل فردی و هم به شکل اجتماعی) تعیین کننده دارد. البته این‌ا اراده در دو جریان حق (با هادیگری اولیاءالله) و باطل (با سرپرستی اولیا طاووت) تجلی دارد که همیشه در نزاع و رویارویی باهم به سر می‌برند. خداوند در این رویارویی بر مبنای سنن‌هایش، جریان حق را در صورت داشتن مقاومت، تحمل بر سختی‌ها و ابتلاات و پیروی از دستورات خدا و ولی او، تقویت و پیروز می‌کند. (برای اطلاع بیشتر به کتاب «حکمت تاریخ»- نگرشی بر فلسفه تاریخ در پرتو معارف قرآن و اهل بیت(ع)-، نوشته آیت‌الله سیدمحمدمهدی میرباقری، نشر تمدن نوین اسلامی مراجعه شود.
- ۲- عبداللهی، اصغر، «ایران در زمان نادرشاه»، انتشارات تهران دنیای کتاب، چاپ ۱۳۸۹، ش. صفحات ۱۶۰، ۱۳۲۱ و ۳۳۳
- ۳- ماقلیان، آرداک، مقاله «لشکرکشی نادر به هندوستان»، ترجمه گارون سرکسیان، فصلنامه پیمان، شماره ۸۵، مورخ پاییز ۱۳۹۷، ش.
- ۴- میرزا محمدمهدی خان استرآبادی، فرزند محمدنصیر، منشی و وقایع نگار نادرشاه افشار بود که فتوحات نادر را در جنگ‌های خارجی و در جنگ‌های داخلی و در زمان غلبه بر شورشی‌ها در کتاب «جهانگشای نادری» به شکل مبسوط شرح داده است.
- ۵- بائی، فرهاد، مقاله «روابط سیاسی- نظامی نادرشاه و آسیب‌های فراوی آن»، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۲۵، دوره سوم، مورخ بهار ۱۴۰۱، ش.
- ۶- عدی، زهرا، مقاله «رویکرد دینی نادرشاه و تأثیر آن بر شیعیان و عالمان شیعه»، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه شناسی، شماره ۵۲، مورخ زمستان ۱۳۹۴، ش.
- ۷- پهلوان پور، فاطمه، «تاریخ تشیع در ایران از زوال صفویه تا پایان زندیه»، نشر شیعه شناسی، چاپ ۱۳۹۲، ش. ص ۸۷ تا ۹۳

نگاره‌ای از دیدار و گفت‌وگوی نادر شاه افشار و محمدشاه گورکانی

